

کارخانه های در حال تعطیل را باید

تصرف کنیم «کنترل کارگری» شعارسازش با سرمایه است

کمیته هماهنگی

سه شنبه بیست چهارم دی ۱۳۸۷

دیری است که شعار «شوراهای ضد سرمایه داری را تشکیل دهیم و کارخانه های در حال تعطیل را تصرف کنیم» از سوی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری مطرح گردیده است. این شعار هنوز جای خود را در درون جنبش کارگری ایران باز نکرده است و ما نیز مطلقاً انتظار قبول فوری و عاجل آن را از سوی توده وسیع کارگران اخراجی یا کل جنبش کارگری نداشته ایم و نمی توانیم داشته باشیم. سنت و رسم همیشگی فرقه ها این است که هر حرف درون فرقه ۲ نفر و نصفی خود را به عنوان راه حل مقبول و همه جا پذیرفته شده طبقه کارگر جنجال می کنند. این نه فقط رسم فعالین جنبش ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی طبقه کارگر نیست که به طور قطع آماج بیشترین تنفر و انزجار آنان نیز می باشد. برای اینکه راهکار تصرف کارخانه و پیش زمینه ها و ملزومات تدارک انجام آن به جریان مبارزه حی و حاضر توده های طبقه کارگر ایران تبدیل شود دنیائی مبارزه، تلاش عملی و کار آگاهگرانه لازم است که باید همگی در عمق کارزار روز کارگران صورت گیرد. این کاری است که فعالین جنبش ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی با همه توان برای تحقق آن مبارزه می کنند. در مورد موانع و مشکلات سر راه توده گیر شدن این راهکار در جای دیگری به تفصیل بحث خواهیم کرد. در این جا فقط باز هم تأکید می کنیم که ما نه مدعی توده گیر شدن وسیع این شعار در شرائط روز هستیم و نه انتظار وقوع فوری و فوتی چنین رخدادی را داریم. آنچه برای ما بسیار اساسی است، این است که راهکار تصرف کارخانه یک راهکار تعرضی ضد سرمایه داری و دارای **حداکثر موضوعیت واقعی در همین موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران است**. با این توضیح ساده و کوتاه به سراغ مسائل اساسی مربوط به این بحث می رویم.

تولید سود اساس هستی سرمایه است و لاجرم تعرض به روند تولید سود یا اضافه ارزش نیز یک شالوده مهم تاکتیک در مبارزه ضد سرمایه داری توده های کارگر می باشد. هجوم به شیرازه حیات سرمایه نیازمند اتخاذ راه حل هائی در درون مبارزات روزمره است که اعمال و گسترش عملی آن ها سنگر مبارزه توده های کارگر علیه نظام سرمایه داری را گام به گام نیرومندتر سازد. تعرض به روند تولید اضافه ارزش یک رویکرد همه سویه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و طبقاتی است. این بدان معنی است که توده های کارگر یک کارخانه یا کلاً جنبش کارگری در همان حال که متناسب با آرایش قوا و توان مبارزه خویش کفه توازن میان کار لازم و اضافی یا شرائط معیشتی و امکانات اجتماعی خود در یک سوی و سود سرمایه در سوی دیگر را به نفع اولی و به زیان دومی سنگین تر می سازند کل شالوده قدرت و شیرازه حاکمیت سرمایه را نیز به میزان توانشان مورد هجوم خود قرار می دهند، همزمان با پیکار برای افزایش دستمزدها بر قانون و قانونیت و ساختار حقوق و نظم سیاسی سرمایه نیز می شورند، سازش و

همزیستی مسالمت آمیز را بنیاد مبارزه خویش نمی کنند، بلکه قدرت طبقاتی خود را در مقابل قدرت طبقاتی سرمایه به صف می نمایند. تعرض به روند کار سرمایه یعنی یکی ساختن سیر مبارزات روزمره با جریان واقعی سازمانیابی ضد سرمایه داری، با توسعه هر چه بیشتر آگاهی ضد کار مزدی، با هر چه سراسری تر کردن و بین المللی تر نمودن مبارزه، هر چه شفاف تر ساختن افق لغو کار مزدی و در یک کلام یعنی فراهم سازی همه ساز و برگ لازم برای مبارزه ای که باید به نابدی نظام سرمایه داری منتهی گردد. درک ما از تعرض جنبش کارگری به روند کار سرمایه از چنین ابعاد و محتوا و رویکردی برخوردار است و با هر نوع روایت رفرمیستی چپ و راست از این مفهوم مرزبندی بنیادی دارد. تعرض توده های کارگر به جریان تولید اضافه ارزش متناسب با شرائط و اوضاع و چگونگی آرایش قوای طبقات اساسی جامعه سرمایه داری اشکال متنوع و متفاوتی به خود می گیرد. راهکارها یا تاکتیک های مختلفی که هیچ یک به طور انتزاعی هیچ توضیحی در باره رفرمیستی بودن یا بالعکس سرمایه ستیز بودن با خود به همراه ندارند. اعتصاب یکی از رایج ترین این راهکارها است. اعتصاب چرخ تولید و کار را از کار می اندازد، اما شاید حاوی هیچ ضدیتی با سرمایه نباشد. می تواند به دستاورد معیشتی معینی برای کارگران منتهی گردد اما از بیخ و بن سازشکارانه باشد، می تواند زیر پرچم سیاسی بودن صورت گیرد اما سخت رفرمیستی و مماشات جویانه باشد، می تواند تغییر رژیم سیاسی و سقوط دولت روز سرمایه را دستور کار خود کند اما باز هم در گورستان رفرمیسم مدفون باشد، عکس همه این ها نیز مصداق دارد. اعتصاب می تواند دستاورد معیشتی مطلوبی به همراه آرد و بسیار سرمایه ستیز باشد، می تواند به هیچ دستاوری منتهی نشود اما با باز هم ضد سرمایه داری باشد، ممکن است شکست بخورد ولی تجلی جنگ علیه سرمایه باشد، نه حد و حدود پیروزی ها و شکست ها، نه طول و عرض مطالبات و نه ظاهر سیاسی ضد رژیمی داشتن و « نداشتن!!» هیچ کدام هیچ شاخصی برای تعیین ضد سرمایه داری بودن و نبودن یک اعتصاب نمی باشند. عین همین مسأله در مورد تمامی راهکارهای دیگر جنبش کارگری یا خیزش ها و شورش های بزرگ کارگران هم به طور کامل مصداق دارد. مرز سازش با سرمایه و سرمایه ستیزی برای فعالین ضد سرمایه داری جنبش کارگری مرز بسیار شفاف و پردرخشش و عریانی است. برنامه ریزی آگاهانه و سنجیده تعرض به روند تولید اضافه ارزش و کل استخوانبندی نظم تولیدی و سیاسی و اجتماعی سرمایه در متن یک استراتژی شفاف ضد کار مزدی تنها شاخص واقعی سرمایه ستیزی برای جنبش کارگری است. تصرف کارخانه های در حال تعطیل در شرائط روز مبارزه طبقاتی و موقعیت کنونی پیکار کارگران، برای توده های کارگر در معرض اخراج این واحدها تنها راهکاری است که شاخص بالا را به بهترین شکل با خود حمل می کند و در تمامی تار و پود خود متجلی می سازد. رفرمیست های چپ نما کلاً و جدا از تعلقات مکتبی یا گروهی معنای ضدیت یا عدم ضدیت با سرمایه داری را مثل همه مفاهیم دیگر وارونه و با سر سرمایه درک می کنند. ضد سرمایه داری برای این ها ضدیت با سرمایه و رابطه خرید و فروش نیروی کار نیست، بالعکس صرف جنگ و جدل با قدرت سیاسی روز سرمایه است که خرقة و دستار دروغ ضد سرمایه داری به تن ساخته می سازد. ضدیت برای ما و برای طبقه کارگری که به حکم هستی طبقاتی اش ضد سرمایه است معنای دیگری دارد. ستیز با سرمایه برای ما یعنی تدارک قوا به صورت مستمر و استراتژیک برای تعرض لحظه به لحظه علیه روند ارزش افزائی سرمایه و اتخاذ راهکارها و تاکتیک هائی که به توسعه و تداوم بدون انقطاع این تعرض کمک کند. راهکار تصرف کارخانه

های در حال تعطیل به طور قطع برای کارگران این واحدها در دل موقعیت خاص کنونی تنها تاکتیکی است که همه این مؤلفه ها و شروط را یک جا در درون خود جمع می کند. یک معضل اساسی آنان که با سر سرمایه فکر می کنند و مبارزه طبقاتی را با عقل سرمایه کندوکاو می نمایند ناتوانی عمیق در درک همین موضوع است. تصرف کارخانه های در معرض تعطیل یک سیاست ابداعی و دلبخواهی فعالین ضد سرمایه داری نیست. این سیر روز مبارزه میان طبقات اساسی درون جامعه است که ملزومات عروج تعرضی و سرمایه ستیز مبارزات توده های کارگر را به اتخاذ چنین راهکاری پیوند زده است. کارگران ممکن است این راهکار را اتخاذ کنند و ممکن است نکنند. در حالت نخست مسیر پیکار روزمره خود را بر محور درست مبارزه طبقاتی علیه تعرضات جاری سرمایه به شرائط کار و زندگیشان و در همان حال علیه شالوده حیات نظام سرمایه داری استوار ساخته اند. در حالت دوم این کار را نکرده اند و بالعکس به صورت بسیار رقت بار و غم انگیزی خود را و جنبش خود را در پیچ و خم کژراهه ها و ناکجاآبادهای حفاری شده ساختار نظم کارگرکش سرمایه سرگردان ساخته اند و از هر نوع اثرگذاری نیرومند ضد سرمایه داری ساقط نموده اند. شکست حالت دوم قطعی است اما در حالت اول حتی شکست نیز نه گامی به قهقرا که دروازه ای به سوی فتوحات بعدی است. محتوای بحث تصرف کارخانه مطلقاً این نیست که ما کارخانه ای را بگیریم و تولید کنیم و بساط خرید و فروش به راه اندازیم و با سرمایه داران به رقابت برخیزیم و از این طریق زندگی خویش را اداره نمائیم. ما نمی خواهیم تعاونی تولید یا توزیع محصولات تأسیس کنیم یا یک مرکز کسب و کار در کنار همه مراکز دیگر کار و تولید درون جامعه سرمایه داری به وجود آوریم. از این که بگذریم ما کارخانه را تصرف نمی کنیم که حق کنترل و نظارت خویش بر پروسه خرید و فروش نیروی کار خودمان را به دست گیریم و بازرس دیوان محاسبات سرمایه در حد و حدود استثمار خود توسط سرمایه داران یا دولت سرمایه داری گردیم!! بحث ما به هیچ وجه از سنخ مباحثی مانند کنترل و نظارت کارگری بر تولید و مانند این ها نیست. چنین گفتگوها، طرح ها یا راه حل پردازی هائی از دیرباز تا امروز در جنبش کارگری و به طور خاص در محافل سیاسی مدعی تعلق به طبقه کارگر وجود داشته است اما آنچه که ما امروز مطرح می کنیم هیچ تشابه و سنخیتی با هیچ کدام از این راهبردها و راهکارپردازی ها ندارد. اینکه محتوای واقعی و کنکرت راهکار تصرف کارخانه های در حال تعطیل چیست طبیعتاً آن را به صورت شفاف تر و مشروح تر باز خواهیم کرد اما پیش از آن باید بر مرزبندی شفاف خود با همه این الگوها و ایده ها تأکید کنیم. این کار لازم است زیرا رهنمودها و راهکارهای بالا متعلقات تاکتیکی و سیاسی رویکردهائی هستند که سمت و سوی آن ها به هیچ وجه تدارک جنبش کارگری برای تعرض مستمر علیه سرمایه و سرانجام نابودی نظام سرمایه داری نمی باشد. در این زمینه می توان به طرح موسوم به « کنترل کارگری» اشاره کرد. کنترل کارگری حرف دل کسانی است که راه حل آنها برای جنبش جاری توده های کارگر سندیکاسازی و سندیکالیسم است و دورنمای نهائی که پیش روی طبقه کارگر قرار می دهند فقط سرمایه داری دولتی است. آنان اتکاء توده های کارگر به قدرت مؤثر و سراسری ضد سرمایه داری خویش را مردود می دانند. اساساً جنبش کارگری را یک جنبش ضد سرمایه داری به حساب نمی آورند و اگر در فرمولبندی های سیاسی خود از وجود یک گرایش ضد سرمایه در این جنبش سخن می رانند در عمل چنین چیزی را منکر می شوند. منظور آنان از گرایش ضد سرمایه داری درون طبقه کارگر به طور واقعی توده های کارگر نیست بلکه فقط کارگرانی است که خود را به دار و دسته

آنان آویزان سازند. محافل طرح کننده « کنترل کارگری» جمعیت چند نفری خود را قطب عالم وجود، ناجی و سکندار رهائی طبقه کارگر تلقی می کنند و توده های کارگر را نیروهای مستأصل و آلت فعلی به حساب می آورند که راه نجات آن ها صرفاً در تمسک و توسل به فرقه یا فرقه های چند نفری نهفته است. فراخوان اینان به طبقه کارگر به صورت زمینی و در خارج از مدار لفظ بازی ها و شعارپردازی ها آن است که با نظام سرمایه داری و شالوده هستی این نظام یعنی رابطه خرید و فروش نیروی کار مبارزه نکنند، بلکه تمامی جنگ و ستیز خود را در مبارزه برای تغییر رژیم سیاسی خلاصه نمایند. اینان می گویند که کارگران همراه با مبارزه سندیکالیستی برای بهبود معاش و مبارزه سیاسی جهت تغییر رژیم، کل جنبش طبقه شان را تسمه نقاله انتقال احزاب یا در واقع همان فرقه خاص خودشان به قدرت سیاسی سازند. آن ها می کوشند که با تسخیر قدرت سیاسی بالاخره سرمایه داری دولتی را جایگزین شکل کنونی برنامه ریزی کار و تولید سرمایه داری سازند. طرح « کنترل کارگری» حرف دل این جماعت است و مرادشان از این طرح آن است که کارگران از اعمال قدرت سازمان یافته شورائی علیه سرمایه خود داری کنند، در عوض برای احراز مکان شور و مشورت با سرمایه داران و کارفرمایان بر روی دولت روز فشار وارد سازند و از این طریق روند کشمکش برای تغییر رژیم سیاسی را نیز تشدید نمایند. خاصیت این طرح برای رفرمیست های چپ نما این است که اولاً کارگران علیه سرمایه مبارزه نخواهند کرد، ثانیاً تمامی توان و ظرفیت پیکار طبقاتی خود را برای جا به جایی دولت ها و به قدرت رساندن احتمالی فرقه ها به کار خواهند انداخت، ثالثاً و بالاخره این که کارگران همیشه به خود تلقین خواهند کرد که اعمال قدرت متحد سراسری و شورائی علیه سرمایه کار آنان نیست، به جای این کار یا به جای پیکار برای برچیدن اساس سرمایه داری و بساط خرید و فروش نیروی کار باید برای استقرار سرمایه داری دولتی تحت استیلا و حاکمیت یک حزب ماوراء هستی اجتماعی خویش تلاش نمایند.

طرح « کنترل کارگری» منعکس در ادبیات محافل کنونی چپ حتی در رادیکال ترین حالت سنخیتی با رویکرد ضد کار مزدی طبقه کارگر ندارند. این راه حل یا در خدمت هموارسازی راه استقرار سرمایه داری دولتی است و یا به کارگران توصیه می کند که دیوان محاسبات استثمار خویش توسط سرمایه را اندکی کنترل کنند و به توشیح نمایندگان خویش برسانند!! بانیان این طرح بعضاً از سازمانیابی شورائی کارگران هم حرف می زنند اما شورا در گفتگوی آن ها مطلقاً ظرف اعمال قدرت ضد سرمایه داری آحاد توده های کارگر نمی باشد، شورای آنان یا یک سندیکای دموکراتیک است و یا نهاد سیاسی خاصی است که در روزهای قیام برای جایگزینی احتمالی ماشین دولتی موجود سرمایه با حزب سرمایه داران دولتی تلاش می کند، به بیان دیگر ظرفی برای مشارکت نمایندگان پارلمانی کارگران در برنامه ریزی رابطه خرید و فروش نیروی کار است. در یک کلام همه چیز هست اما فقط ظرف اعمال قدرت توده های وسیع طبقه کارگر برای تعرض به شریان حیات سرمایه و تحکیم نیرومندتر و نیرومندتر سنگر پیکار طبقاتی و ضد سرمایه داری کارگران نمی باشد.

راهکار تصرف کارخانه توسط شوراهای ضد سرمایه داری توده های کارگر راهکاری از بیخ و بن متفاوت با طرح کنترل کارگری و این نوع الگوپردازی ها است. شوراهای مورد بحث ما نه سندیکاهای دموکراتیک هستند، نه تسمه نقاله معراج حزب به قدرت سیاسی می باشند، نه نقش بازرس امور مالی و دیوان محاسبات سرمایه را ایفاء می کنند و نه تحت قیمومت هیچ هیأت نمایندگی قرار می گیرند. این شوراها ظرف اتحاد و همبستگی سازمان یافته ضد

سرمایه داری همه آحاد توده های کارگر می باشند. مراد از تصرف کارخانه نیز در این جا نه اعمال نظارت و کنترل کارگران بر روند استثمار خویش توسط سرمایه است، نه هموار سازی راه استقرار سرمایه داری دولتی و نه حفاری تونل برای این که این کارخانه و آن کارخانه مجزا را از سیطره مناسبات کار مزدی و قانون ارزش و رابطه تولید اضافه ارزش خارج ساخت!! **تصرف کارخانه لحظه ای و حلقه ای از لحظات و زنجیره سراسری بیکار طبقه کارگر علیه سرمایه است.** آنچه که ضرورت اتخاذ این راهکار را به جنبش ما گوشزد می کند، مجموعه شرائط و اوضاعی است که فضای مبارزه روز میان توده های کارگر و طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری را از همه سو در محاصره خود قرار داده است. مطابق آمارهای منتشر شده از سوی منابع رسمی دولتی تا همین امروز بیش از ۵۰۰ کارخانه متوسط و بزرگ یا بعضاً کوچک توسط صاحبان آن ها تعطیل شده است و کارگران آن ها یا یک راست به برهوت گرسنگی پرتاب گردیده اند و یا در خطر جدی بیکار شدن و سقوط به چنان ورطه ای هستند. صاحبان مراکز کار و تولید اعم از خصوصی یا دولتی بردگان مزدی سرمایه را صد تا، صدتا و هزارتا هزارتا بیکار می کنند. آن ها را در شرائطی قرار می دهند که همه راه های امرار معاش، راه فروش نیروی کار، راه زنده ماندن و ادامه حیات بر روی آنان سد می گردد. از این مهم تر و بسیار بدتر، صاحبان سرمایه و دولت آن ها کارگران را به ورطه ای فرو می رانند که هر نوع امکان اعمال قدرت و جنگیدن علیه جنایات و سببیت های سرمایه را هم از آنان سلب می نمایند. وقتی ما از کارخانه اخراج می شویم، وقتی تعطیلی کارخانه در دستور کار سرمایه دار قرار می گیرد، وقتی دولت سرمایه با تمامی قدرت نظامی و پلیسی و قضائی و دیوانسالاری ضد کارگری خود از جنایت سرمایه دار حمایت می کند ما عملاً به وخیم ترین و هولناک ترین ورطه بی قدرتی و استیصال سقوط کرده ایم. در چنین شرائطی باید راهی برای خروج از این گرداب هائل مرگبار پیدا کنیم. سرمایه داران و دولت آن ها با تمامی دسیسه پردازی ها و ترفندها تلاش می کنند تا ما را در پیچ و خم دیوانسالاری بی انتهای سرمایه گیج و کر و کور و منگ و سرانجام مأیوس سازند تا از این طریق هر نوع خطر تداوم بیکار ما را از سر سرمایه رفع کنند. رفرمیست ها هم از هر دار و دسته و دکانی که باشند به رغم حرف های متفاوتشان در عمل همان کار صاحبان سرمایه و نهادهای نظم سرمایه داری را انجام می دهند. این ها هم یا نسخه سندیکا می پیچند و سازش با سرمایه را توصیه می نمایند و یا فقط می گویند، مبارزه کنید، اعتصاب کنید، متشکل شوید و فراوان از این کلی بافی ها سر هم می کنند، بدون این که هیچ دریچه ای به هیچ راهی برای هیچ نوع اعمال قدرت و مبارزه ای پیش روی ما قرار دهند. در اینجا توده های طبقه ما به طور واقعی با مثلث هجوم هار صاحبان کارخانه ها که بیکار می کنند و به مسلخ گرسنگی پرتاب می کنند، با سرکوب و کشتار و قهر یا اداره بازی دولت سرمایه و بالاخره با سندیکالیسم یا کلی بافی های گمراه کننده محافل رفرمیستی رو به رو می گردند. همه از ما می خواهند که گرسنگی و مرگ و ذلت را بپذیریم. راهکار تصرف کارخانه کوبیدن مثتی محکم با دست پرتوان طبقه خود بر تمامی ترفندهای این مثلث شوم و بازگشائی دریچه ای امیدبخش برای رهائی از این وضعیت فاجعه بار است. ما تصرف کارخانه را برنامه کار خود می سازیم. برای این کار قبل از هر چیز با همه تار و پود فکر و زندگی مان در می یابیم که این کار بسیار دشوار است. مثل روز می دانیم که سرمایه داران بر سر ریال به ریال سرمایه های کارخانه با ما خواهند جنگید، دولت سرمایه داری با تمامی ارتش و پلیس و سپاه و دیوانسالاری و زندان ها و شکنجه خانه ها و میدان های بی شمار تیر علیه ما به خط خواهد شد و سندیکالیست

ها ما را سرزنش خواهند کرد. به این ترتیب روشن است که تصرف کارخانه کاری است کارستان و برای پیروزی در آن باید بر همه این صف آرائی های خصمانه و قهرآمیز غلبه کرد. این را نیز به همان اندازه شفاف درک می کنیم که حتی موفقیت کامل در این میدان سر سوزنی ما را از شر استثمار سرمایه و تسلط بشرستیزانه نظام بردگی مزدی خلاصی نخواهد بخشید. ما همه این ها را خوب می دانیم و با آگاهی و درایت ژرف طبقاتی نسبت به همه این موضوعات است که روند کار را آغاز می کنیم. در نخستین گام به دنبال ارزیابی واقع بینانه از دشواری راه، یک راست به خاطر می آوریم که تنها نیستیم، ما فقط چند هزار کارگر نیشکر هفته تپه، لاستیک البرز، لوله سازی خوزستان و صدرای بوشهر یا چینی همگام نمی باشیم. ما یک طبقه اجتماعی و بین المللی هستیم، ما توده وسیع بردگان مزدی در سراسر جهان سرمایه می باشیم. جنبش ما جنبشی در محدوده این کارخانه و آن کارخانه نیست و برای تصرف مراکز کار در حال تعطیل هم نباید به خود و به تعداد هم زنجیران خویش در فاصله تنگ چهاردیواری کارخانه نگاه کنیم. بالعکس باید به سراغ همه همسرنوشتان خویش برویم، به سراغ کارگران نفت برویم، در خانه کارگر برق را بکوبیم، سیر تا پیاز معضلات خویش را با کارگر حمل و نقل و آب و خودروسازی و ذوب آهن و معادن شمال و جنوب و کارگران ساختمان و راه و مزارع و توده عظیم بردگان مزدی معلم و پرستار در میان گذاریم. باید به قدرت ضد سرمایه داری طبقه مان فکر کنیم و برای صف آرائی هر چه عظیم تر این قدرت دست به کار شویم. تصرف کارخانه یک راهکار و لحظه ای از روند پیکار سراسری توده های کارگر است و در دائره وجود و قدرت این طبقه است که توسط این یا آن گردان از بردگان مزدی به پیش کشیده می شود. تدارک قوا در این گذر اساسی ترین بخش پیکار است و این کار به نوبه خود در گرو سازمانیابی شورائی هر چه وسیع تر همزنجیران در هر سطح ممکن و در درون هر مرکز کار و تولید است. راهکار تصرف کارخانه هر گام موفقیت خود را از درون این تدارک و این سازمانیابی و همبستگی تضمین می کند و به میزانی که در این روند موفق گردد شانس پیروزی خود را نیز افزایش می دهد. تصرف کارخانه یک جنبش است و آنچه که پشتوانه پیروزی این جنبش است دقیقاً پشتوانه دفاع از دستاوردهایش نیز می باشد. اگر کارگران لاستیک البرز یا نیشکر هفت تپه بتوانند کارخانه را تصرف کنند معنایش آن است که توازن قوای میان خویش و طبقه سرمایه دار و دولت این طبقه را در نقطه ای قرار داده اند که دشمن را عقب نشانده اند، که دولت سرمایه داری را به دادن مواد اولیه و مصالح تولید رایگان مجبور کرده اند، که سرمایه داران زیر فشار قدرت پیکار کارگران و همبستگی گسترده طبقاتی توده های کارگر راهی سوی تسلیم در مقابل آنان ندیده اند. اگر کارگران کارخانه را تصرف کنند معنایش این است که به چنین سطحی از آرایش قوا دست یافته اند و در چنین وضعی سؤال اساسی این است که آیا این کارگران قادر به اداره کارخانه و برنامه ریزی تولید خواهند بود؟ پاسخ سرمایه داران و دولت سرمایه داری و رفرمیست ها تاریخاً منفی بوده است، آن ها همیشه جنجال کرده اند که این کارها از عهده توده های کارگر بر نیامده و بر نخواهد آمد. اما پاسخ فعالین ضد سرمایه داری هم بسیار شفاف است. تاریخ مبارزه طبقاتی به طور اعم و تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان نشان داده است که همه این ها کاملاً امکان دارد. ما در روزهایی به سر می بریم که بیش از ۵۰۰ کارخانه بزرگ و متوسط تعطیل شده است و همه کارگران آن ها در ورطه بیکاری و فقر و گرسنگی سرگردان شده اند. سوی این ها چند میلیون جمعیت بیکار نیز از سابق وجود داشته است. طغیان موج جدید بحران سرمایه داری هر چه سریعتر شمار کارخانه های در

حال تعطیل را به گونه ای فاحش افزایش خواهد داد. تا همین لحظه حاضر بیکاری و گرسنگی و فلاکت و بی مسکنی و همه اشکال دیگر سیه روزی کل تار و پود زندگی ما را در کلاف خود فرو پیچیده است و موج بسیار سرکوبگرتر بحران جاری این وضع را باز هم بسیار وخیم تر و فاجعه بارتر خواهد ساخت. توده های طبقه ما در شرائطی قرار دارند که خطر نابودی آن ها را از همه سو تهدید می کند. این وضع سبب شده است که همین الان ما از شاغل گرفته تا بیکار، از کارگر کارخانه و ساختمان و حمل و نقل گرفته تا معلم و پرستار و بردگان مزدی فروشگاهها و معادن و مزارع، همه و همه شب و روز در حال مبارزه هستیم. طبقه ما اصلاً با محدودیت دامنه مبارزه و اعتراض یا با سکوت و گریز از میدان جدال مواجه نیست. بحث اساسی این است که ریل مبارزات باید عوض گردد. این تغییر ریل همان گونه که به کرات گفته ایم و توضیح داده ایم کاری دشوار است اما در همان حال عملی است و موانع سر راه قابل جا به جاسازی و از میان برداشتن هستند. حتماً با خود فکر می کنیم که اگر کارخانه را بگیریم چگونه آن را اداره خواهیم کرد و در اولین قدم مواد خام و مصالح لازم برای پروسه تولید را از کجا خواهیم آورد. در پاسخ این سؤال یک چیز روشن است. ما بر خلاف آنچه دیگران فکر می کنند و بر خلاف آنچه در مباحثی از قبیل کنترل کارگری و شوراهای خودگردانی نوع فرمیستی و مانند این ها طرح شده است مطلقاً قرار نیست یک شبکه خرید و فروش و تجارت پهن کنیم!!! بالعکس یک جنبش در حال پیکار علیه سرمایه می باشیم. راه ما برای تهیه مواد خام و مصالح پروسه تولید مثل روز روشن است. باید دولت سرمایه را مجبور سازیم تا همه این امکانات را بدون حصول هیچ ریالی در اختیار مان قرار دهد. این تنها راه پیش روی ما است. برای این کار احتیاج به قدرت داریم و دامنه قدرت ما باید از چهاردیواری کارخانه مان فراتر باشد، پس باید برای فراهم ساختن این قدرت یا توان مجبور کردن دولت سرمایه داری دست به کار گردیم. این کار نیازمند برنامه ریزی است. این برنامه ریزی را قرار نیست چند کارگر به صورت تک تک یا زیر نام نمایندگی همه کارگران بکنند. نه، این کار از منظر جنبش ضد سرمایه داری غلط محض است. باید کلیه آحاد توده های ما به میزان توان و دانش و ابتکار و برد اثرگذاری خود وارد صحنه مصاف گردند. هیچ کس نباید هیچ نوع تسامحی به خرج دهد، هیچ کس نباید کس دیگری را قیم خود سازد. هیچ کس نباید بخواهد یا اجازه دهد که دیگری به جای او بیاندیشد، هیچ کس نباید از زیر بار وظیفه شانه خالی سازد. هیچ کس نباید دیگری را نماینده تام الاختیار خویش سازد و خود را به مجری تصمیمات دیگران تنزل دهد. هیچ کس نباید اجازه دهد دیگران سیاست گزار و خودش مجری سیاست باشد، هیچ کس حق ندارد قائم مقام دیگران گردد، هر کس باید با همه تدبیر و تلاش برای دخالتگری کلیه آحاد، برای افزایش ظرفیت تأثیرگذاری سایرین، برای هموارسازی راه ارتقاء و قدرت دخالت دیگران به هر کوشش ممکن دست یازد. ما باید این چنین به هم پیوند بخوریم و این همان شکل شورائی سازمان یابی و اتحاد کارگری متناظر با ملزومات پیکار علیه سرمایه است. به این ترتیب ما باید قبل از هر چیز شورای ضد سرمایه داری خود را به پا کنیم اما حرف این بود و همچنان این است که متشکل شدن در چهاردیواری کارخانه برای اعمال قدرت علیه دولت سرمایه و سرمایه داران اصلاً حلال مشکل نیست، پس از همین جا است که گام دوم باید برداشته شود. شورای ما باید برای جلب حمایت کارگران آب و برق و نفت و حمل و نقل و اتوموبیل سازی و مدارس و بیمارستان ها و دانش آموزان و دانشجویان متعلق به جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر برنامه ریزی کند و با همه توان برای اجرای عملی این برنامه بسیج گردد.

حتماً عده ای خواهند گفت یا در پیش خود می پندارند که این ها همه خواب و خیال است. کسانی که چنین فکر می کنند حتی اگر از میان توده های طبقه ما باشند به طور قطع آدم های عقب مانده ای هستند. مابه ازاء واقعی فکر و نتیجه حرف این جماعت آن است که دست روی دست بگذاریم تا قطار سرمایه داری هر روز هزار هزار ما و بچه های ما را به کویر لوت گرسنگی حمل کند و در آن جا برای همیشه دفن نماید. نوع این افکار و استنتاجات و ارزیابی ها یا متعلق به سندیکالیست ها و رفرمیست ها رنگارنگ است یا ناشی از عقب ماندگی و ناآگاهی و احساس استصیال است. واقعیت این است که زمینه های لازم برای موفقیت ما در جلب همبستگی و حمایت همزنجیران مان وجود دارد. آن ها خود نیز عین مشکلات ما را دارند. آنان نیز کارخانه هایشان تعطیل شده است، خودشان بیکارند و زنان و فرزندانشان در زیر تیغ گرسنگی با مرگ دست به گریبانند. آن ها هم در حال مبارزه اند. هیچ شکی نیست که متقاعد ساختن آن ها به تصرف کارخانه وقت و کار و تدبیر و چاره پردازی می خواهد، اما همه این ها شروط حتمی و جبری مبارزه طبقاتی می باشند. از این بخش توده های طبقه مان که بگذریم دلیلی وجود ندارد که کارگران شاغل مراکز مهم کار و تولید نیز از ما حمایت نکنند. اگر هم در آغاز چنین کنند ما بسیار مصمم و پیگیر برای جلب توافق آن ها تلاش خواهیم نمود. بر سر کارگران نفت فریاد خواهیم کشید که چرا حاضر بودند نیروی پشت جبهه حزب توده و مصدق و جریانات مشابه شوند اما حاضر نیستند برای پس گرفتن لقمه نان فرزندان گرسنه ما از چنگال سرمایه داران و دولت سرمایه داری با ما یعنی با هم زنجیران اندرونی طبقه خود همراه گردند؟! عین همین حرف را به کارگران حمل و نقل و آب و برق و نوب آهن و کارگران همه مراکز دیگر کار و تولید خواهیم زد. تصرف کارخانه ما را وارد این مسیرها خواهد ساخت. آنان که می گویند مواد اولیه را چگونه تهیه می کنید به مبارزه طبقاتی و برد آن نمی اندیشند. ما قرار نیست در تدارک برنامه ریزی رابطه تولید اضافه ارزش و ایجاد شبکه خرید و فروش و رقابت و بازاریابی باشیم!!! ما می خواهیم قدرت طبقاتی خود را هر چه گسترده تر وارد میدان جنگ علیه سرمایه کنیم و هر گام پیروزی خود را با موفقیت در این تلاش گره زده ایم. به هر میزان که بتوانیم نیروی پیکار جنبش خویش را به میدان بکشیم خواهیم توانست دولت سرمایه داری را از سنگر مقاومت هار ارتجاعی و سرکوب و حمام خون به عقب رانیم و خواست خود برای تهیه رایگان مواد خام و مصالح تولید را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنیم. بعضی ها خواهند گفت: خوب فرض کنید که تولید کردید. پس از آن چه خواهید نمود. پاسخ ما این بار شفاف تر از بار نخست است. اگر تا مرحله تولید پیش رفتیم، اگر حمایت لازم برای این کار را جلب کردیم، اگر سازمانیابی سراسری ضد سرمایه داری جنبش توده همزنجیر را تا این سطح به جلو آوردیم بقیه امور بسیار آسان تر خواهد شد. نکته اساسی در اینجا نیز این است که ما در تدارک فروش و تجارت نیستیم. تکرار می کنیم و تکرار می کنیم که جنبش توده های طبقه کارگر علیه استثمار سرمایه و علیه اساس بردگی مزدی می باشیم. توده های همزنجیری که ما را در تحمیل خواسته هایمان بر دولت سرمایه یاری دادند در حل مابقی مشکلات نیز با ما خواهند بود. ما روزهای پیش از وقوع قیام بهمین را از یاد نبرده ایم. مگر نه این است که در آن روزها آخرین لقمه های نان فرزندانمان را با هم تقسیم می کردیم، مگر نه این است که شرق تا غرب تهران و شهرهای دیگر را زیر پا می گذاشتیم تا خون خویش را هر چه اندک نثار مجروحان و زخمی ها سازیم، مگر نه این است که در یک چشم به هم زدن تمامی چوب لباسی های درون خانه هایمان را به سه پایه آویختن کیسه های خون در بیمارستان ها تبدیل می نمودیم، مگر نه این است که

تمامی کپسول گاز خانه هایمان را وسیله انفجار پادگان های دشمن می ساختیم. نسل هائی از ما همه این حوادث را به یاد دارند و جنبش ما در سراسر جهان ملامت از این حوادث پرارج و آموزنده است. در همین جا این نکته را هم اضافه کنیم که در آن روزها بدون هیچ افقی، بدون هیچ سازمانی ضد سرمایه داری، بدون هیچ درک و دریافت شفاف کارگری و ضد کار مزدی و بدون هیچ مرکزکشی با هارترین و درنده ترین دشمنان طبقاتی خود به همه این کارها دست می زدیم. پیداست که بحث امروز بحث دیگری است. سخن از جنبش توده های وسیع طبقه مان علیه سرمایه و برای محو سرمایه داری است. سندیکالیست های راست و رفرمیست های رنگارنگ اصلاً این مسائل را نمی فهمند. **آنان فقط بلدند نامه فدایت شوم برای گای رایدی بنویسند** و در باره حمایت اتحادیه های کارگری مزدور کاخ سفید و سرمایه جهانی از ما، دروغ های کثیف شاخ دار سر هم کنند. آنان به جای رجوع به قدرت عظیم طبقاتی مان یک راست ما را به در خانه سرمایه داران و نهادهای دست ساز سرمایه داری جهانی حواله می دهند. آن ها دشمنان زشت اندورنی طبقه ما هستند.

به این ترتیب پاسخ ها روشن است. ما مبارزه می کنیم، متحد می شویم، شوراهای ضد سرمایه داری بر پای می داریم، شوراهای ما به هم پیوند می زنیم. در این مسیر ما قدرت طبقاتی خود را در مقابل سرمایه به صف می کنیم و وارد میدان می سازیم، این قدرت را علیه سرمایه اعمال می کنیم، دولت را مجبور می سازیم که مواد خام و مصالح تولید را برای مان به طور رایگان تهیه نماید، آنچه را تولید کرده ایم در طبق اخلاص به توده های طبقه مان عرضه می کنیم و آن ها در قبال آن نان فرزندانشان را با فرزندان ما تقسیم خواهند کرد. ما از جنبش ضد سرمایه داری طبقه مان آغاز می کنیم، به این جنبش رجوع می نمایم، رجوع به گای رایدی را محکوم می سازیم. شرائط و زمینه های اجتماعی لازم برای رشد و توسعه و تحکیم و قدرت یابی این جنبش وجود دارد. رفرمیست ها نه این موضوعات و نه الفبای مبارزه طبقاتی را اصلاً نمی فهمند.

تصرف کارخانه های در حال تعطیل در شرائط مشخص و با توجه به اوضاع و احوال معین لحظه ای از مبارزه طبقاتی است و پیروزی آن هر چند اندک پیروزی جنبش کارگری است. جنبش طبقه کارگر در هر کجا که این پیروزی را به دست آرد، دستاوردهایش را پاسداری خواهد کرد و برای توسعه آن پیکار خواهد نمود. این پیروزی ها را پلکانی برای تعرضات بعدی علیه سرمایه خواهد ساخت. کارگرانی که متفق و متحد و از درون یک همبستگی عظیم طبقاتی و شورائی یک یا ده یا ۵۰۰ کارخانه را تصرف کنند همه راههای لازم برای ادامه مبارزه، برای برنامه ریزی کار و تولید این واحدها، برای توزیع محصولات و برای سایر مسائل مربوط به تداوم پیکار را نیز برنامه ریزی خواهند نمود. این کارگران البته خود را هم فریب نخواهند داد و بر این دستاوردها نام الغاء قانون ارزش!! و رهائی از استثمار سرمایه نخواهند گذاشت!!! آنان میلیون ها بار بهتر و عمیق تر از رفرمیست های چپ ظرفیت این شناخت را دارند که محو سرمایه داری نه در تصرف این کارخانه و آن کارخانه بلکه متضمن محو تام و تمام رابطه خرید و فروش نیروی کار خواهد بود. بحث بر سر گسترش جنبش جاری توده های کارگر علیه سرمایه است. بحث بر سر تسلیم نشدن، جنگیدن و هموارسازی راه برای ادامه جنگ های بعدی است. جنگ هائی که نه در عالم الفاظ، نه در حصار تنگ گروه بازی ها بلکه به طور واقعی بر روی زمین مبارزه طبقاتی و بر سر حیاتی ترین مسائل زندگی کارگران جریان می یابد. مطابق معمول عده ای با شنیدن این حرف ها داد خواهند زد که حالا

دوران اعتلاء انقلابی نیست. این کارها مال دوران اعتلاء است. پاسخ ما این است که کارگران همیشه و در همه جای دنیا در حال مبارزه علیه سرمایه داری هستند. این مبارزات مستقل از جدول بافی های اعتلا و رکود توسط این یا آن فرمیست سندیکالیست در عالم واقع وجود دارند. بحث بر سر دادن پاسخ رادیکال ضد سرمایه داری به ملزومات گسترش و ارتقاء این مبارزات است و مسأله تصرف کارخانه راهکاری در این راستا است. جنبش کارگری برای مبارزه علیه سرمایه هیچگاه منتظر طلوع ستاره اعتلاء ننشسته است. کارگران در هر شرائطی به هر میزان که بتوانند با سرمایه، با استثماری که می شوند، با بی حقوقی و ستم و جنایاتی که تحمل می کنند و با همه سیه روزی های ناشی از موجودیت نظام بردگی مزدی می جنگند. رجوع به طلوع و افول ستاره اعتلاء خاص فرمیست های چپ و احزاب این طیف است. آنان در کمین نشسته اند تا شرائطی پدید آید، خود را به کاروان مبارزات کارگران برسانند، جنبش آن ها را مصادره کنند و سپس از بخش های اندرونی طبقه خود یعنی طبقه سرمایه دار تقاضای باج خواهی برای یافتن جای پائی در قدرت سیاسی بنمایند. حرف جنبش ضد سرمایه داری حرفی از بیخ و بن متفاوت با این کاسبکاری ها است.

در آخر کلام شاید لازم باشد یک بار دیگر تأکید کنیم که تصور اینکه تاکتیک تصرف این یا آن کارخانه گویا قانون ارزش را ساقط می سازد!!! یک توهم بافی کور مبتنی بر تعقل منحط فرمیستی است. تاریخاً گرایشات زیادی زیر نام چپ حتی سرمایه داری دولتی را ناقض قانون ارزش و استثمار سرمایه داری قلمداد کرده اند!!! بحث ما در اینجا مطلقاً توضیح ابتدال این تئوری بافی ها نیست. تصرف کارخانه های در حال تعطیل یک راهکار معین ضد سرمایه داری در روند پیکار طبقه کارگر علیه سرمایه است. هر گام پیروزی کارگران در این گامی برای تحکیم سنگر مبارزه و توفنده کردن مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری است. هر گام این پیروزی در عین حال گامی در جلوگیری از تشدید فشار استثمار سرمایه، عقب راندن سرمایه داران و دولت آن ها از شرائط کار و معیشت و حقوق انسانی توده های کارگر است.

حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر متحد شویم

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در حال تعطیل را به تصرف خود در آوریم

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۴ دی ۱۳۸۷

<http://www.hamaahangi.com>

khbitkzs@gmail.com